



ISSN:2423_7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال پانزدهم / شماره پنجاه و نهم / پاییز ۱۴۰۰

گستره موضوعی و روش مفسران فریقین در تفسیر آیات مهدویت (قرن های چهارم و پنجم)*

هادی حجت^۱
مرتضی عبدی چاری^۲
زهرارحمتی^۳

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی و تحلیل رویکرد مفسران فریقین قرون چهارم و پنجم هجری قمری به موضوع مهدویت انجام گرفته است. در این پژوهش گستره موضوعات و روش مفسر در طرح موضوعات مهدوی در میان مفسران قرون چهارم و پنجم بررسی شده است. قرن چهارم به دلیل آزادی نسبی که برای دانشمندان و مخصوصاً شیعیان ایجاد شده بود و همچنین افزایش میل به کسب علم در میان امت اسلام، قرن شکوفایی علم و دانش در جهان اسلام بوده و کتب تفسیری افزایش چشمگیری یافتند. براساس یافته های پژوهش تفاسیر فریقین در این قرن به طور گسترده مباحث مهدوی مثل اشراف الساعه و نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام شروع شده و در ادامه به اثبات وجود حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و نشانه های ظهور، همچنین وقایع پس از ظهور و ویژگی های خاص حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به علاوه موضوع رجعت از دیگر مباحثی هستند که در تفاسیر این دوره مورد توجه مفسران قرار گرفته است. اما قرن پنجم به خاطر جنگ های صلیبی و... تفاسیر شیعه افول شدید پیدا کرده و به تبع گستره موضوعات کمتری دیده می شود. مفسران در ابتدا تنها با روش روایی به تفسیر آیات

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۸

۱. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران (نویسنده مسئول) (hojjat.h@qhu.ac.ir).

۲. دکتری تخصصی قرآن و حدیث، محقق پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (abdichari@isca.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران (rahmati.zahra@chmail.ir).

می پرداختند اما رفته رفته روش های لغوی و ادبی، عقلی، عرفانی و اجتهادی نیز به روش های تفسیری اضافه شدند و برخی مفسران نیز سعی کردند تا تمام روش های تفسیری را به کار گیرند. مباحث مهدوی را غالباً تفاسیری بیان کرده اند که روش تفسیری روایی داشته اند و یا به روایت در تفسیر خود توجه ویژه داشته اند.

واژگان کلیدی

تفسیر، فریقین، مفسران، مهدویت، روش تفسیر.

مقدمه

مهدویت از بحث های اصیل، ریشه دار و با سابقه در اسلام، به ویژه مذهب اثنی عشری است. این بحث نه تنها میان شیعیان بلکه در مذاهب دیگر اسلامی نیز مطرح بوده از این رو آثار آن را نه تنها در متون حدیثی و کلامی فرقه های مختلف اسلامی که در تفاسیر فریقین نیز به وضوح می توان یافت. رویکرد مفسران در مواجهه با آیات مربوط به مهدویت متفاوت بوده، از آن جا که در قرون اول تا سوم روش تفسیری رایج، روش روایی بوده مفسران سه قرن نخست هجری در خصوص موضوعات مهدوی نیز صرفاً به نقل روایات مهدویت اکتفا کرده اند اما از قرن چهارم به بعد که استفاده از روش ها و گرایش های دیگر تفسیری همچون عقلی و اجتهادی، ادبی و کلامی و عرفانی... نیز به تدریج رونق گرفت شاهد ظهور مفسرانی هستیم که در تفسیر آیات مهدویت علاوه بر گزارش روایات به تحلیل، تبیین، نقد و حتی تأویل روایات و مباحث مهدوی نیز پرداخته اند. از این رو آغاز محدوده تحقیق حاضر، قرن چهارم تعیین و به خاطر گستردگی و حجم زیاد تفاسیر، به قرون چهارم و پنجم محدود گشته است.

در این پژوهش با نگاهی توصیفی تحلیلی، گستره موضوعات مهدویت و روش مفسران فریقین قرن های چهارم و پنجم هجری قمری با موضوع مهدویت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در طول قرن ها و نزد مفسران مختلف، موضوعات مهدوی جایگاه متفاوتی داشته است در تفاسیر فریقین شش قرن نخست، تفاسیر معدودی همچون *احکام القرآن* منسوب به شافعی (م ۲۰۴ق)، *تفسیر الحبری* (م ۲۸۲ق)، *تفسیر تستری* (م ۲۸۳ق)، *تأویل مشکل القرآن* دینوری (م ۲۷۶ق)، *تلخیص البیان* سیدرضی (م ۴۰۶ق)، *تنزیه القرآن* اسدآبادی (م ۴۱۵ق)، *اسباب النزول* واحدی (م ۴۶۸ق)، *احکام القرآن* کیاهراسی (م ۵۰۴ق) و... را می توان یافت که به این موضوع توجهی نداشته و به هیچ یک از موضوعات مهدوی در تفسیر خود پرداخته اند اما در

اغلب تفاسیر باقی مانده از قرون نخست هجری، موضوعات مهدوی به اجمال یا تفصیل قابل مشاهده است.

تنوع موضوعات مهدوی در تفاسیر قرون اول تا سوم کمتر و با اجمالی بیشتر مطرح بوده، اما تفاسیر قرون چهارم تا ششم با تفصیل بیشتری به بحث‌های مهدویت پرداخته‌اند. سپس در قرن هفتم با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی جوامع اسلامی، مباحث مهدویت در تفاسیر وارد مرحله رکود شد. هرچند میزان توجه مفسران به موضوع مهدویت در سیر زمانی فراز و فرودهایی داشته، اما در یک نگاه کلی می‌توان ادعا کرد که این سیر در شش قرن نخست رو به رشد بوده است.

مهدویت در تفاسیر قرن چهارم

در این قرن از تفاسیر شیعه که به موضوع مهدویت پرداخته است می‌توان به تفسیر قمی، عیاشی، فرات کوفی و شیخ مفید اشاره کرد و از تفاسیر اهل سنت به جامع‌البیان طبری، تفسیر القرآن العظیم ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم ماتریدی و... اشاره نمود.

زمینه‌های طرح موضوعات مهدوی در قرن چهارم

قرن چهارم هجری در وقایع مهدوی مصادف است با پایان غیبت صغری (سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری قمری)^۱ و آغاز غیبت کبری. دوره‌ای که از آن با تعبیر «عصر حیرت» یاد شده است چرا که سرگردانی و تحیر شیعیان از ویژگی‌های مهم دوران غیبت بود. از این رو بود که پدر شیخ صدوق علی بن بابویه (م ۳۲۹ ق) در تثبیت باورهای امامیه کتاب الامامة والتبصرة من الحيرة را نوشت. کتاب الغیبه محمد بن ابراهیم نعمانی (م ۳۶۰ ق) و کمال‌الدین اثر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) نیز از دیگر غیبت‌نگاری‌های این قرن به شمار می‌روند؛ شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین با طرح موضوع غیبت پیامبران، غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را قابل باور جلوه داد.

اما باور شیعیان به غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب انتقاد شدید مخالفان شد تا آن جا که ابوالقاسم بلخی (م ۳۱۹ ق) معتزلی کتاب المسترشد را در موضوع امامت و در رد عقاید شیعه نوشت. در این میان زبیدیه بیش از دیگران بر انتقاد از امامیه پای می‌فشردند. (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۱۰) شیخ صدوق در کمال‌الدین، هشت شبهه مطرح شده از سوی زبیدیه را در

۱. سال ۲۶۰ قمری سال شهادت امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف و سال ۳۲۹ وفات علی بن محمد سمری آخرین نائب خاص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

این باره نقل کرده و عالمانه در پی نقد و پاسخ برآمده است (همان: ۶۷-۸۲). «مهم‌ترین عالم زیدی ناقد آرای امامیه در مسئله غیبت در آن روزگار، ابوزید عیسی بن محمد بن احمد (م ۳۲۶ ق) است. اثر مشهور وی *الاشهاد* به شمار می‌آید. شیخ صدوق در *کمال‌الدین* به این کتاب با عنوان انتقادات متکلمی زیدی و بدون تصریح به نام وی اشاره می‌کند. محور این انتقادات، حصر تعداد امامان در دوازده تن است. سخن زیدیه این بود که چنین عقیده‌ای در میان امامیه قولی است که آنها در پی غیبت ابراز کرده‌اند».

به لحاظ سیاسی در سال‌های پایانی دوران غیبت صغری، تشیع در شهرهایی از ایران و از جمله در قم و آوه گسترش یافته بود و از سوی شیعیان، منصب‌هایی حکومتی به دست آورده بودند که قدرت خاندان نوبخت در بغداد نمونه‌ای از آن است. با به قدرت رسیدن سلسله آل بویه در ایران که دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام بودند و آل حمدان در شام و بالا گرفتن نفوذ اجتماعی شیعه شرایط سیاسی چنان به نفع شیعه تغییر کرد که برخی از مورخان این دوره را «قرن شیعه» خوانده‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۷۸: ۲۳۵).

قرن چهارم به لحاظ علمی قرن شکوفایی اندیشه و دانش و تمدن اسلامی و درخشش مفسران، مورخان، فلاسفه، متکلمان و... در محدوده جغرافیایی اسلام است. گسترش علوم اسلامی رشد قابل توجهی نمود که می‌توان عامل آن را در فروکش کردن منازعات سیاسی و توجه حاکمان به علم و دانش جستجو کرد.

در علوم اسلامی در شاخه حدیث شیعه دو کتاب گرانسنگ از کتب اربعه به نگارش درآمد. مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۹ ق) کتاب *ارزشمندکافی* و شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) کتاب *من لا یحضره الفقیه* را تألیف کرد. از مزایای کافی بر سایر جوامع متقدم اشتمال بر مباحث اعتقادی از جمله امامت است. کلینی در بخش کتاب *الحجة اصول کافی* در «بَابُ مَوْلِدِ الصَّاحِبِ»، (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۵۱۴) و «بَابُ مَا جَاءَ فِي الْاِثْنِي عَشَرَ وَ النَّصِّ عَلَيْهِمْ» (همان: ۵۲۵) روایت متعددی در موضوعات مهدویت را گزارش کرده است. در شاخه تفسیر نیز تفاسیر روایی مهمی در این دوره تألیف شد. در شیعه تفسیر قمی، *فرات کوفی*، نعمانی و کتاب *التفسیر عیاشی* و در اهل سنت نیز *جامع البیان* طبری.

گستره موضوعات و روش مفسران قرن چهارم در موضوعات مهدوی

به منظور تبیین گستره موضوعات مهدوی در تفاسیر قرن چهارم و رویکرد مفسران در تفسیر آیات ابتدا تفاسیر شیعه و در ادامه تفاسیر اهل سنت به ترتیب تاریخ بررسی می‌شود.

الف) تفاسیر قرن چهارم شیعه^۱

۱. **تفسیر قمی:** با توجه به روایی بودن تفسیر موجود منسوب به علی بن ابراهیم قمی (م ۳۰۷ ق) تمام مطالبی که در تفسیر آیات مهدویت آورده صرفاً روایات است. قمی در ذیل ۷۶ آیه قرآن به بسیاری از موضوعات مهدویت از کلام ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته است که برای رعایت اختصار صرفاً به نمونه‌هایی از آیات هر موضوع بسنده می‌کنیم:

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیه ۵ سوره ابراهیم، آیه ۵ سوره قصص، ...)، ناگهانی بودن ظهور (آیه ۴۴ سوره انعام)، ویژگی‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیه ۱۱۵ طه، آیه ۶۹ سوره نساء، ...)، نشانه‌های ظهور (آیه ۳۷ سوره انعام، آیه ۸ سوره اسراء و آیه ۱۱۳ سوره طه، آیه ۹۸ سوره کهف، آیه ۵۱ سوره سبأ، ...)، ولادت و نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیه ۹۸ سوره کهف، سوره طه آیه ۱۱۰) رجعت (آیه ۵۶ سوره بقره، آیه ۳۹ سوره یونس، آیات ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ سوره نحل، ...)، حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیه ۱۵۹ سوره نساء، سوره شوری آیه ۷)، نزول حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیه ۱۵۹ سوره نساء، سوره شوری آیه ۷)، یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیه ۵۴ سوره مائده، سوره اسراء آیه ۷، سوره انبیا آیه ۱۰۵، و سوره حج آیه ۴۱، ...)، غلبه اسلام (آیه ۲۸ سوره فتح و سوره صف آیه ۹ و ۱۳ و سوره لیل آیه ۲)

با توجه به روایی بودن تفسیر قمی در تفسیر آیات مهدویت تمام مطالبی که آورده می‌شود صرفاً روایات است.

۲. **تفسیر فرات کوفی:** تفسیر فرات کوفی (متوفای اوایل قرن ۴)، به روش تفاسیر روایی، روایات تفسیری و تطبیقی را جمع‌آوری کرده است. بیشترین موضوعش درباره ائمه اهل بیت علیهم السلام است (ایازی، ۱۳۷۸ ش: ۱۰۲).

در حوزه مهدویت در ذیل ۱۴ آیه به موضوع مهدویت پرداخته است؛ موضوعات مطرح شده در این تفسیر عبارتند از: نسب امام مهدی (آیه ۱۰ و ۱۱ سوره واقعه)، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (سوره مدثر آیات ۴۶ و ۴۷)، وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیه ۳ سوره شمس، سوره حج آیه ۴۷) نزول حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیه ۱۵۸ سوره انعام)، انتقام خون امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیه ۳۳ سوره اسراء)، غلبه اسلام (سوره فرقان آیه ۶۳، آیات ۴۱ و ۴۲ سوره شوری، آیه ۹ سوره صف)

۱. یادآور می‌شود با توجه به نامشخص بودن تاریخ دقیق تدوین بسیاری از تفاسیر، در دسته‌بندی تفاسیر براساس قرن، تاریخ مشهور وفات مؤلفان مبنای عمل قرار گرفته است نه تاریخ تدوین.

با توجه به روایی بودن این تفسیر تمام مطالبی که در تفسیر آیات مهدویت آورده می‌شود با توجه به استناد به روایات است.

۳. **تفسیر عیاشی:** تفسیر عیاشی (م ۳۲۰ ق) آیات را همراه با احادیث منقول از اهل بیت علیهم‌السلام آورده است. (معرفت، ۱۴۱۸ ق: ج ۲، ۱۷۶) وی در حوزه مهدویت ذیل ۴۰ آیه قرآن به بسیاری از موضوعات مهدویت از کلام ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداخته است اهم موضوعات عبارت است از: ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (آیه ۲۶۱ سوره بقره، آیه ۵۹ سوره نساء، ۴۴ سوره ابراهیم، ...)، نشانه‌های ظهور (آیات ۱۴۸ و ۱۵۵ سوره بقره، آیه ۳۷ سوره آل عمران، آیه ۱۵۸ انعام، ...)، رجعت (آیه ۲۴۳ سوره بقره، آیات ۳۸ الی ۴۰ سوره نحل، آیه ۲۴ سوره کهف، ...)، یاران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (آیات ۱۴۸ و ۲۴۹ سوره بقره، آیه ۸ و ۸۰ سوره هود، آیه ۴۵ سوره نحل، آیه ۱۵۹ اعراف، آیه ۴۵ ابراهیم)، غلبه اسلام (آیه ۸۳ سوره آل عمران، آیه ۳۹ سوره انفال، آیه ۳۳ سوره توبه)، انتقام خون امام حسین علیه‌السلام (آیه ۳۳ سوره اسراء، سوره انفال آیه ۳۹)، انتظار (سوره اعراف آیه ۷۱، سوره یونس آیه ۱۰۲، سوره هود آیه ۹۳)

روش عیاشی در تفسیر آیات مهدویت: با توجه به روایی بودن این تفسیر تمام مطالبی که آورده شده استناد به روایات است.

۴. **تفسیر شیخ مفید:** هرچند شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) تفسیر مستقلی تألیف نکرده اما مباحث تفسیری وی در کتابی با عنوان *تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشیخ المفید* گردآوری شده است. شیخ مفید را می‌توان مبدع سبک تفسیری کلامی دانست، این روش و رویکرد تفسیری باعث شده ضرورت شناخت امام غائب و اثبات غیبت که مباحثی کلامی و عقلی هستند از میان دیگر موضوع مهدویت مورد بحث و بررسی قرار گیرند. وی ذیل هشت آیه به این موضوع پرداخته است.

دوران غیبت (آیه ۲۵۹ سوره بقره، آیه ۶۵ سوره کهف) رجعت (آیات ۴ تا ۶ سوره اسراء) ضرورت شناخت امام غائب (آیه ۷۱ سوره اسراء)، حکومت جهانی (سوره انبیا آیه ۱۰۵، سوره نور آیه ۵۵)

روش شیخ مفید در تفسیر آیات مهدویت: با توجه به این که تفسیر ایشان در واقع جمع‌آوری پاسخ وی به سؤالات و شبهاتی بوده که در آن زمان مطرح می‌شده است؛ روش وی اجتهادی و در مواردی قرآن به قرآن می‌باشد.

ب) تفاسیر قرن چهارم اهل سنت

۱. **جامع البیان طبری:** تفسیر طبری (م ۳۱۰ ق) عمدتاً بر مبنای مرویات تفسیری از رسول

اکرم عليه السلام و منقولات صحابه و تابعین، با ذکر سلسله سند کامل هر حدیث، تدوین شده است. او در تفسیر خود به سه موضوع از موضوعات مهدویت در ذیل نه آیه پرداخته است: نزول حضرت عیسی عليه السلام (آیه ۵۵ سوره آل عمران، آیه ۱۵۹ سوره نساء، سوره صف آیه ۹)، اشراف الساعه (آیه ۱۵۸ سوره انعام، آیه ۹۸ سوره کهف، آیه ۱۰ سوره دخان، آیه ۶۱ سوره زخرف)، انکار رجعت (آیه ۳۸ سوره نحل)

طبری در تفسیر آیات مهدویت هم از تفسیر اثری بهره برده و هم از روش عقلی و اجتهادی استفاده کرده است.

۲. **اعراب القرآن زجاج**: تفسیر زجاج (م ۳۱۱ ق)، یک آیه با موضوع مهدویت آورده است. شاید صبغه لغوی آن باعث شده تا مباحث مهدوی در آن طرح خاصی نداشته باشند. وی در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء نزول حضرت عیسی عليه السلام و ایمان به او را مطرح می‌کند (زجاج، ۱۴۱۶ ق: ۷).

۳. **تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم**: ابن ابی حاتم (م ۳۲۷ ق) در این تفسیر به طور پراکنده تنها آیاتی که درباره آنها روایاتی نقل شده، تفسیر کرده است. وی در ذیل ۱۹ آیه درباره اتفاقات عصر مهدوی مطالبی آورده است:

ظهور امام مهدی عليه السلام (آیه ۱۱۴ سوره بقره)، نزول حضرت عیسی عليه السلام (آیات ۱۵۷ و ۱۵۹ سوره نساء، سوره اعراف آیه ۱۸۱ و آیه ۶۱ سوره زخرف)، اشراف الساعه (آیه ۱۵۸ سوره انعام، آیه ۴ سوره شعراء، آیات ۹۸ سوره کهف، آیه ۹۶ سوره انبیاء، آیه ۸۲ سوره نمل)، غلبه اسلام (سوره توبه آیه ۳۳)، رجعت (آیات ۵۶ و ۲۴۳ سوره بقره، آیه ۱۵۵ سوره اعراف)

ابن ابی حاتم در تفسیر آیات مهدویت از روش تفسیر اثری بهره جسته است.

۴. **تفسیر القرآن العظیم ماتریدی**: ماتریدی (م ۳۳۳ ق) با توجه به صبغه کلامی و گرایشات عقیدتی که داشته است در این تفسیر از روش‌های گوناگون تفسیری همانند قرآنی، روایی و عقلی بهره جسته است.

ماتریدی در تفسیر قرآنش پنج موضوع در حوزه مهدویت اشاره کرده است:

نزول حضرت عیسی عليه السلام (آیه ۵۵ سوره آل عمران، سوره نساء آیه ۱۵۹)، اشراف الساعه (آیه ۱۵۸ سوره انعام، آیه ۱ سوره حج، آیه ۹۸ سوره کهف، ...)، غلبه اسلام (سوره اسراء آیه ۵۸، سوره فتح آیه ۲۸)، انکار رجعت (آیه ۹۵ سوره انبیاء، سوره سبأ آیه ۵۳)، خسف بیداء (آیه ۵۱ سوره سبأ)

۵. **اعراب القرآن نحاس**: روش کلی ابن نحاس (متوفای ۳۳۸ ق) به این شکل می‌باشد که با عنوان «شرح اعراب سورة...» آغاز می‌کند، سپس قطع یا آیه مورد نظر را به ترتیب مصحف

آورده، کلمات و جمله‌ها را یکی پس از دیگری از جهت اعراب بررسی می‌نماید و وجوه گوناگون آن را بیان می‌دارد و در جای خود به قرائت کلمه نیز می‌پردازد (زجاج، ۱۴۱۶ق: ج ۱، مقدمه) وی در ذیل شش آیه به موضوع مهدویت پرداخته است:

نزول حضرت عیسی علیه السلام (آیه ۹ سوره صف، آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره نساء)، رجعت (آیه ۸۴ سوره انبیاء)، نشانه‌های ظهور (آیه ۹۶ سوره انبیاء، آیه ۹۸ سوره کهف). با این‌که تفسیر نحاس ادبی است وی در تفسیر آیات مهدویت از روش اثری بهره‌جسته است.

۶. **تفسیر بحر العلوم سمرقندی**: تفسیر سمرقندی (متوفای ۳۷۵ق)، با رویکرد نقلی احادیث بسیاری در بیان مفاهیم آیات قرآن در آن آمده است و مؤلف نظریات تفسیری صحابه و تابعین را نقل نموده است. وی ذیل ۱۵ آیه به موضوع مهدویت پرداخته است.

نزول حضرت عیسی علیه السلام (آیه ۵۵ سوره آل عمران، آیه ۱۵۹ سوره نساء، آیه ۶۱ زخرف، آیه ۴ سوره محمد)، اشراف الساعة (آیه ۱۵۸ سوره انعام، آیه ۸۲ سوره نمل، آیه ۱۸ سوره محمد، ...)، غلبه اسلام (آیه ۹ سوره صف)، نشانه‌های ظهور (آیات ۵۰ الی ۵۴ سوره سبأ) سمرقندی در تفسیر آیات مهدویت از روش تفسیر اثری بهره‌جسته است.

مهدویت در تفاسیر قرن پنجم

تفاسیر بررسی شده در این قرن دوازده مورد هستند که تنها یک مورد از شیعه است که البته از تفاسیر بسیار مهم تاریخ شیعه به‌شمار می‌رود و یازده مورد از تفاسیر اهل سنت که سه تفسیر تنزیه القرآن عن المطاعن قاضی عبدالجبار معتزلی، تفسیر القرآن سمعانی، احکام القرآن کیهراسی و اسباب النزول واحدی به موضوع مهدویت نپرداخته است.

زمینه‌های طرح موضوعات مهدوی در قرن پنجم

قرن پنجم هجری قمری دوران جنگ‌های صلیبی است. در این دوران رابطه جهان اسلام با جهان غرب افزایش یافت. «بسیاری از ویژگی‌های جهان اسلام همچون دین و فرهنگ اسلامی به مناطق روم و بیزانس نفوذ کرده و بالعکس بسیاری از ویژگی‌های جهان مسیحیت نیز به داخل اسلام نفوذ می‌کند» (ایازی، ۱۳۷۳ش: ۱۷۵؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۲۴).

از سویی دیگر، قرن پنجم عصر ترجمه و شکوفایی دانش‌های مختلف به خصوص در زمینه علوم عقلی و رویارویی مذاهب اسلامی در جهان اسلام است. به وجود آمدن مذاهب کلامی و تضارب آراء بین گروه‌های مختلف علماء مانند فقهاء و صوفیان، اهل حدیث و فلاسفه و ... موجب تحرک و رقابت شده بود و در سایه رقابت بین دانشمندان و پیشرفت علم کلام، مذاهب

اشعری و معتزلی و ماتریدی به وجود آمد.

«از این رو که آخرین پیشوای معتزله و نخستین متکلم اشاعره، با همدیگر مشغول مبارزه و نبرد علمی بوده‌اند، مذهب فکری و کلامی اشعری که در قرن چهارم هجری انتشار پیدا کرد، آن چنان که در اقصی نقاط مشرق زمین، مکتب کلامی ابومنصور ماتریدی که تشابهی بین افکار او و اشعری وجود داشت، انتشار یافته بود و در اوایل قرن پنجم هجری، دستگاه خلافت، دخالت رسمی در رفع منازعات مذهبی آغاز شده بود» (ایازی، ۱۳۷۳: ۱۷۵).

توجه به این مطالب چرایی رشد علم تفسیر در این ایام، و همچنین افزایش مباحث مهدوی در تفاسیر این قرون را نشان می‌دهد. علما عزت و احترام یافته بودند و آزادی بیان باعث شده بود ترسی از بیان عقاید خود نداشته باشند. همچنین تضارب آراء و اندیشه‌ها باعث شده بود علمای مختلف به میدان بیایند و هرکدام تلاش کنند تا عقاید خود را در معرض دیگران قرار دهند. در این ایام مفسران شیعه روایات شیعی را در کتب تفسیری وارد کردند و شروع به شرح و تفسیر بسیاری از آیات مهدویت کردند. مباحث این ایام علاوه بر مباحث اثباتی که به اصل وجود آن حضرت و ظهور وی می‌پرداخت، به برخی مباحث ثبوتی مانند چگونگی ظهور و وظایف منتظران نیز پرداخته است.

گستره موضوعات و روش مفسران قرن پنجم در موضوعات مهدوی

در قرن پنجم موضوعات به ترتیب اولویت: وقایع و نشانه‌های ظهور، رجعت، حکومت جهانی، غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و نزول عیسی عليه السلام از جمله مباحث مهم یک مفسر شیعه ذیل آیات بوده است و از طرف دیگر موضوعات مهم هفت مفسر اهل سنت در این قرن نزول به حضرت عیسی عليه السلام، اشراف الساعه، رجعت، غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و حکومت جهانی معطوف بوده است. لذا در آن عصر مفسران براساس شرایط زمانه نسبت به این موضوعات که به ترتیب اولویت نوشته شده است اقبال و توجه خاصی داشتند. ابتدا به تفسیر شیعه و در ادامه به تفاسیر اهل سنت اشاره می‌شود.

الف) تفاسیر قرن پنجم شیعه

تفسیر تبیان شیخ طوسی: شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق) در تبیان از قرآن، روایات، لغت، ادبیات عرب و حتی اقوال صحابه و تابعان دلیل و شاهد نقل می‌کند. افزون بر آن، استدلال‌ها، تحلیل‌ها و ادله عقلی فراوانی به کار می‌برد و به نقد و بررسی دیدگاه‌ها نیز می‌پردازد. در این تفسیر ذیل ۲۲ آیه به مباحث مهدوی پرداخته شده است: نشانه‌های ظهور (آیه ۳۷ سوره

بقره، آیات ۱۵۸ سوره انعام و ۱۸۷ سوره اعراف، آیه ۵۶ سوره غافر، آیه ۱۰ سوره دخان، آیه ۹۸ سوره کهف، آیه ۸۲ سوره نمل)، نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام (آیه ۱۵۹ سوره نساء، سوره زخرف آیه ۶۱)، رجعت (آیه ۵۶ و ۲۴۳ سوره بقره، آیه ۸۳ سوره نمل، آیه ۱۱ سوره غافر)، غلبه اسلام (آیه ۲۱ سوره سجده، آیه ۳ سوره بقره، آیه ۵ و ۶ سوره قصص)، وجود حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ، (آیه ۱۸۷ اعراف، آیه ۵۵ سوره نور).

شیخ طوسی در تفسیر آیات مهدویت سعی کرده به جز نقل روایات مربوطه و روش قرآن به قرآن، آنها را از جنبه‌های دیگر مانند کلامی و تاریخی نیز بررسی کند.

ب) تفاسیر قرن پنجم اهل سنت

۱. **تفسیر الکشف و البیان ثعلبی:** ثعلبی (متوفای ۴۲۷ق) ابتدای هر سوره، اطلاعات کلی از قبیل نام، مکی و مدنی بودن و تعداد آیات آن را ارائه می‌دهد. سپس به فضل سوره‌ها با استفاده از روایات وارد از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و صحابه و تابعین می‌پردازد بعد از آن آیات را مطرح نموده، درباره قرائت، لغت و گاهی نیز مسائل بیانی آنها، بحث را پی‌گیری می‌کند این کتاب از تفاسیر ماثور به شمار می‌آید و برخی نیز به سبب آن که مباحثی نظری و علمی را دربر دارد آن را از تفاسیر عقلی دانسته‌اند.

وی ذیل ۳۴ آیه به بیان مباحث مهدوی پرداخته است:

پیشینه رجعت (آیات ۵۵، ۵۶، ۷۳ و ۲۴۳ و ۲۵۹ سوره بقره و ۱۵۵ سوره اعراف، آیه ۹۵ سوره انبیاء، آیه ۳۸ سوره نحل)، نشانه‌های ظهور (آیه ۷ سوره آل عمران، آیه ۱۵۸ انعام، آیات ۵۰ الی ۵۴ سوره سبأ، آیه ۱۰ سوره دخان، آیه ۴ سوره شعراء، آیات ۱ و ۲ سوره شوری)، نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام (آیه ۵۵ سوره آل عمران، سوره نساء آیات ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۵۹ آیه ۱۸۱ سوره اعراف، سوره زخرف آیه ۶۱)، غلبه اسلام (آیه ۱۹۳ سوره بقره، آیات ۸۴ و ۱۵۹ سوره نساء و آیه ۱۸۷ سوره اعراف و آیه ۴ سوره محمد)

ثعلبی در تفسیر آیات مهدویت علاوه بر روایی از روش عقلی نیز بهره برده و گاهی برای توضیح مطلب به شعر نیز استناد کرده است.

۲. **تفسیر النکت و العیون ماوردی:** تفسیر ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی بصری (متوفای ۴۵۰ق)؛ از مختصرترین تفاسیری است که در آن، به لغت و ادب و نقل و نقد آرای دیگران پرداخته شده و به سبک اهل نظر نگاشته شده است. (معرفت، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۲۶۱؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳ش: ج ۱، ۷۷۳) وی ذیل ۱۹ آیه به طرح مباحث مهدوی پرداخته

است:

اشارات الساعه (آیه ۷ سوره آل عمران، آیه ۱۵۸ سوره انعام، ۹۶ انبیاء، آیات ۵۰ الی ۵۴ سوره سبأ، آیه ۸۲ سوره نمل، آیه ۵۶ سوره غافر، آیه ۱ تا ۳ سوره زلزال، آیه ۶ سوره نازعات)، نزول حضرت عیسی علیه السلام (آیه ۱۵۹ سوره نساء، آیه ۹۸ سوره کهف، سوره زخرف آیه ۶۱ غلبه اسلام (آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۴ سوره محمد، سوره نور آیه ۵۵)، ظهور (آیه ۲۱ سوره سجده) ماوردی در تفسیر آیات مهدویت علاوه بر روش اثری به جمع میان اقوال و آرای مفسران و اندیشمندان سلف و معاصر خود پرداخته و ضمن بررسی آن‌ها، به معانی محتمل نیز اشاره کرده است.

۳. **تفسیر لطایف الاشارات قشیری:** قشیری (متوفای ۴۶۵ق) در مقدمه کتاب روش تفسیری خود را ترسیم نموده، او بر کتاب خود نام لطائف الاشارات را نهاده است. این عنوان بیانگر روش تفسیری او در فهم حقایق وحی است با محوریت اشارت به جای عبارت وی بدون آن که در معانی ظاهری واژگان قرآنی توفقی بکند، با بهره‌گیری از جنبه‌های پنهانی و تو در توی این الفاظ، به معانی عمیق راه می‌یابد.

تکیه‌گاه این تفسیر تاویل عرفانی است. اگر هم در موردی، روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله یا دیگران ذکر می‌شود به ندرت نام راوی را می‌آورد. دامنه نقل‌گرای در این اثر بسیار محدود است. وی مباحث خاصی در زمینه مهدویت مطرح نکرده است به جز اشاراتی که ذیل ۴ آیه به مباحث مهدوی داشته است. اشارات الساعه (آیه ۱۰ سوره دخان)، نزول حضرت عیسی علیه السلام (آیه ۴۵ آل عمران، آیه ۶۱ زخرف، آیه ۲۸ سوره فتح) قشیری در تفسیر آیات مهدویت از روش اثری بهره برده است.

۴. **تفسیر الوسیط فی تفسیر القرآن المجید:** روش تفسیری واحدی نیشابوری (متوفای ۴۶۸ق) کاملاً روایی است؛ اگرچه در برخی مواقع تفسیر به لغت و ادب نیز نموده وی در تفسیر آیات، از روایات فراوانی استفاده نموده است و در مواردی نیز اقوال صحابه یا تابعین در مورد تفسیر آن آیه را ذکر نموده است. وی به مباحث مهدوی کم پرداخته است. نزول حضرت عیسی علیه السلام (آیه ۱۵۹ سوره نساء)، غلبه اسلام (آیه ۹ سوره صف)، انتظار (آیه ۳۲ سوره نساء) واحدی در تفسیر آیات مهدویت از روش اثری بهره برده است.

۵. **تفسیر شواهد التنزیل حسکانی:** حسکانی (متوفای ۴۹۰ق)، به ترتیب سوره‌های قرآن هر آیه‌ای که در شأن نزول ویژه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده طرح کرده و به نقل اسباب نزول و روایات آن از طریق عامه و خاصه می‌پردازد. چون مؤلف از محدثان اهل سنت است از جوامع

روایی عامه بیشترین استفاده را نموده است. وی ذیل دو آیه به موضوع مهدویت پرداخته است.

حسکانی ذیل آیه ۶۹ سوره نساء با ذکر چند روایت منظور از «حَسَنٌ أَوْلِيكَ رَفِيقاً» را امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در زمان خودش دانسته است. وی همچنین ذیل آیه ۴۱ سوره حج با ذکر روایتی بیان می‌کند وقتی قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشريف ظهور می‌کند بین مردم می‌ایستد و خویشتن را با این آیه معرفی می‌کند. (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۱۹۹)

۶. تاج التراجم فی تفسیر القرآن اسفراینی: تاج التراجم اسفراینی (متوفای ۴۷۳ق) علاوه بر نقل روایات مختلف در هنگام تفسیر و اجتهاد شخصی، گاهی برای تفسیر آیه‌ای از قرآن، به خود قرآن نیز استناد کرده است اسفراینی ذیل ۸ آیه به موضوع مهدویت پرداخته است. اشراط الساعة (آیه ۱۵۸ انعام)، نزول حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه الشريف (آیات ۴۵، ۴۶ و ۵۵ سوره آل-عمران، آیه ۱۸۱ سوره اعراف، آیات ۷۱ و ۹۶ سوره انبیاء)، ظهور (آیه ۱۰۹ سوره انبیاء) اسفراینی در تفسیر آیات مهدویت از روش اثری بهره برده است.

۷. تفسیر سورآبادی: سورآبادی (متوفای ۴۹۴ق)، روش روایی، مهم‌ترین روش تفسیری وی است.

در این تفسیر ذیل ۲۰ آیه به مباحث مهدوی پرداخته شده است. رجعت (آیات ۵۵، ۵۶، ۷۳، ۲۴۳، ۲۵۹ سوره بقره، آیه ۸۵ سوره نمل، آیات ۱۹ و ۱۱۰ سوره مائده و آیات ۴ و ۵ سوره صف) اشراط الساعة (آیه ۸۲ سوره نمل، آیه ۱۵۸ انعام، آیه ۹۹ کهف، آیه ۵۰ سبأ، ۵۳ فصلت، آیه ۵۶ سوره غافر) نزول حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه الشريف (آیه ۵۵ سوره آل عمران، در سوره نساء آیه ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۵۹ و آیه ۶۱ زخرف) سورآبادی در تفسیر آیات مهدویت از روش اثری بهره برده است.

نتیجه‌گیری

از مجموع پنج تفسیر شیعه در قرن پنجم تفسیر قمی بیشترین موضوع در زمینه مهدویت را داشته که ذیل ۷۶ آیه به آن موضوعات پرداخته است، تفسیر عیاشی ذیل ۴۲ آیه و تفسیر فرات کوفی ذیل ۱۳ آیه به موضوع مهدویت پرداخته است، و از مجموع نه تفسیر اهل سنت تقریباً ۷۶ آیه به مهدویت پرداخته از جمله تفسیر طبری تفسیر که ذیل ۱۰ آیه بحث مربوط به

مهدویت را بیان کرده است. بنابراین در این قرن بیش از دویست آیه در زمینه مهدویت با توجه به روایات ذیل آن بررسی شد. موضوعات مهدویت در قرن چهارم به ترتیب اولویت عبارتند از: غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، رجعت، وقایع و نشانه‌های ظهور، حکومت جهانی، ویژگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و نزول عیسی علیه السلام از جمله مباحث مهم تفاسیر شیعه ذیل آیات بوده است و از طرف دیگر موضوعات مهم تفاسیر اهل سنت در این قرن نزول به حضرت عیسی علیه السلام، اشراف الساعه و حکومت جهانی معطوف بوده است. تفاسیر در قرن پنجم بیشتر جنبه سنتی، روایی و تکیه بر اقوال صحابه و تابعان داشته است؛ اما در زمینه مهدویت نسبت به قرن چهارم به آیات کمتری پرداخته شد که در مجموع ۱۱۳ آیه می‌باشد که تنها تفسیر شیعه این قرن تبیان شیخ طوسی است که ذیل ۲۲ آیه موضوع مهدویت را بررسی کرده و از مجموع یازده تفسیر اهل سنت هفت تفسیر ذیل ۹۱ آیه به موضوع مهدویت پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد فضای سیاسی - علمی عصر مفسر در قرن چهارم و پنجم اثر زیادی در کمیّت و کیفیت موضوعات و همین‌طور در کمیّت تفاسیر شیعه داشته است اما در تفاسیر اهل سنت تفاوت چندانی در کمیّت و کیفیت تفاسیر و موضوعات وجود ندارد. موضوع غیبت از جمله موضوعات مهم تفاسیر شیعه که متأثر از فضای ابتدائی غیبت کبری بوده است و این تأثیر در تفاسیر اهل سنت دیده نمی‌شود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد بن ادريس الرازي (۱۴۱۹ق)، *تفسير القرآن العظيم*، رياض، مكتبة نزار مصطفى الباز.
۲. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
۳. اسفراینی، شهفور بن طاهر (۱۳۷۵ش)، *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. ایازی، محمد علی (۱۳۷۳ش)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، بی‌جا، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. ایازی، محمد علی (۱۳۷۸ش)، *شناخت‌نامه تفاسیر*، رشت، نشر مبین.
۶. پاکتچی، احمد (۱۳۹۲ش)، *تاریخ تفسیر قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۷. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۸. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۹۳ش)، *دانش‌نامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، تهران، انتشارات دوستان.
۱۰. ذهبی، محمدحسین (۱۴۰۷ق)، *التفسیر والمفسرون*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۱. زجاج، ابراهیم بن سری (۱۴۱۶ق)، *اعراب القرآن*، قم، دارالتفسیر.
۱۲. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر سمرقندی*، بیروت، دارالفکر.
۱۳. سوراآبادی، عتیق بن محمد (۱۳۸۱ش)، *تفسیر سوراآبادی*، تهران، فرهنگ نشر نو.
۱۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، بیروت، دارالمعارف الاسلامیه.
۱۶. عرفان، امیرحسین (۱۳۹۰)، «نقش باورداشت غیبت در پویایی حیات علمی و فکری شیعیان در قرن سوم و چهارم»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۱۷.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العمیه.
۱۸. فرات کوفی، ابولقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات کوفی*، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
۱۹. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۴۱۰ق)، *لطائف الاشارات*، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب اسلامیه.
۲۲. ماتریدی سمرقندی، ابی منصور محمد بن محمود (۱۴۲۶ق)، *تفسیر القرآن العظیم تأویلات اهل سنة*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۳. ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۹ق)، *النکت والعیون فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۴. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۷ش)، *مکتب در فرایند تکامل*، ترجمه: هاشم ایزدپناه، نیوجرسی ایالات متحده، مؤسسه انتشاراتی داروبین.
۲۵. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۸ق)، *التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۶. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۶ق)، *الارشاد*، قم، مؤسسه آل‌البيت عليه السلام.

۲۷. نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، *اعراب القرآن*، بيروت، دارالكتب العلمية.
۲۸. واحدي، علي بن احمد (۱۴۱۶ق)، *الوسيط في تفسير القرآن المجيد*، قاهره، احياء التراث الاسلامي.

